مطالعات تاریخ اسلام
سال نهم / شمارهٔ ۳۵/ زمستان ۱۳۹۶

تأملاتی در همگرایی و واگرایی با اهل کتاب در قرآن و سیره رسول خدا(ص)

اصغر قائدان[۱]
فاطمه معتمد لنگرودی[۲]

چکیده: منطقهٔ حجاز از دیرباز مهد حضور ادیان الهی بود و با ظهوراسلام، این دین می‌بایست دعوت خود را به‌طور همه‌جانبه گسترش می‌داد. براین اساس بدیهی بود که دعوت جدید با دشواری‌هایی روبه‌رو شود. یکی از این دشواری‌ها وجود پیروان سایر ادیان در شبه‌جزیره بود. از این رو با نزول آیاتی در خصوص اهل کتاب، رفتار پیامبر(ص) در برابر اهل کتاب روشن شد. در این پژوهش به شیوهٔ توصیفی- تحلیلی در پی پاسخگویی به این مسئله‌ایم که برخورد اسلام در قالب قرآن و سنت نبوی با اهل کتاب چگونه بوده است؟ و اینکه آیا این برخوردها با همه اهل کتاب همگرا بوده است یا واگرا؛ و تحت چه شرایطی همگرایی به واگرایی تغییر جهت می‌داده است؟ فرض مقاله آن است که در سایه آموزه‌های الهی و برخورد کریمانه پیامبر(ص)، مادامی که اهل کتاب رفتارهای واگرایانه از خود نشان نمی‌دادند، همچون شهروندان مسلمان آزادانه می‌زیستند. در این میان تفاوت روشنی بین رفتارهای متقابل مسیحیان و یهودیان وجود داشته و رفتار یهودیان عمدتاً واگرایانه بوده است.

واژه‌های کلیدی: رسول خدا(ص)، همگرایی، واگرایی، اهل کتاب، یهود، مسیحیت، صابئین، زرتشت

۱ دانشیار دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه تهران (نویسندهٔ مسئول) qaedan@ut.ac.ir
۲ کارشناس ارشد تاریخ اسلام، پژوهشگر علوم اسلامی و مدرس دانشگاه پیام نور flangarodi@yahoo.com
تاریخ دریافت: ۹۵/۰۹/۰۷ تاریخ تأیید: ۹۶/۰۲/۳۰

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-18]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1396.9.35.5.4]

Some Reflections on Islam's Convergence on and Divergence from the People of the Book in Qur$\bar{a}$n and the Prophet's S$\bar{i}$ra (Biography)

Asghar Qaedan[1]
Fatemeh Motamed Langrudi[2]

Abstract: From the beginning, Hij$\bar{a}$z region was the land of the theistic religions. With the advent of Islam, this religion was to spread its message pervasively. But this new religion got into difficulties. One of these difficulties was with the believers of other religions in Arabic Peninsula. Some verses of the Qur$\bar{a}$n clarified how the Prophet was to behave the people of the book. By a descriptive-analytic method, this research is going to answer how Islam- according to Qur$\bar{a}$n and Prophet's tradition- behaved the people of the book, whether this behavior and encounter with all of the people of the book is convergent or not, and in which condition it became divergent. The assumption of this essay is that the people of the book had- according to Qur$\bar{a}$n and Prophet's tradition- the given rights and so long as they behaved in a convergent way, they could live freely as Muslim citizens. But there was an obvious difference between Jews' behavior and Christians', and Jews' behavior was mainly divergent.

Keyword: Prophet of Islam, Sabians, divergence, convergence , the People of the Book, The Jews, Christianity

1 Associate Professor, College of Theology and Islamic Education, Tehran University, (Corresponding Author), qaedan@ut.ac.ir
2 MA in Islamic history, Islamic studies scholar and teacher, Payame Noor University, flangarodi@yahoo.com

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-18]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1396.9.35.5.4]

مقدمه

به هنگام ظهور اسلام در بخش‌هایی از شمال و نیز مناطق جنوبی حجاز چون یمن و نجران جمعیت قابل توجهی از مسیحیان می‌زیستند. سکونتگاه و مرکز ثقل یهودیان نیز در حجاز (مدینه و خیبر) و زرتشتیان نیز در یمن و حیره بود. بدیهی می‌نمود که پیامبر(ص) علاوه بر مشرکان، دیر یا زود با اهل کتاب نیز روبه‌رو گردد.

بنابراین خداوند در قرآن کریم در خصوص تعامل با اهل کتاب، با نزول ده‌ها آیه، مواضع و چگونگی برخورد با آنان را مشخص ساخت. این امر بدان سبب و انگیزه بود که چنانچه این بخش از جمعیت با رفتار همگرایانه اسلام و پیامبر(ص) روبه‌رو نمی‌شدند ممکن بود معضل و آسیبی جدی در برابر این دعوت و حاکمیت رسول خدا(ص) پدید آورند، به‌ویژه که یهودیان در مدینه در میان مسلمانان حضور داشتند. عدم پذیرش آنان به‌عنوان یک شهروند و به عبارتی یک امت در کنار مسلمانان، ممکن بود آنان را در جبهه مشرکان قرار دهد و یا زمینه همکاری با آنان را فراهم سازد. به همین ترتیب رفتار همگرایانه با آنان می‌توانست به سود مسلمانان باشد. بنابراین دیدگاه اسلام و رسول خدا(ص) تأکید بر اشتراکات بین‌الادیانی بود تا افتراقات و چنانکه از آیات الهی نیز برمی‌آید، تنها مؤمنان اهل کتاب شایسته این رفتار همگرایانه بودند. نکته دیگر اینکه گسترش دعوت از طریق «و جادلهم باللتی هی احسن» سهل‌الوصول‌تر و کم‌هزینه‌تر بود تا واگرایی و مخاصمت.

مفاهیم اساسی

همگرایی فرآیندی است که منجر به شرایطی خواهد شد که گروهی از مردم در قلمروی جغرافیایی معین، از روی میل و رغبت و نه زور و فشار به احساس مشترکی در زمینه حقوق و رفتار متقابل دست یابند که این امر به‌صورت تدریجی حاصل می‌گردد.[1] از سوی دیگر واگرایی نقطه متقابل همگرایی است که به معنای از بین رفتن تمامیت و همبستگی افراد و گروه‌ها است. به عبارت دیگر همگرایی فرایندی است که در طی آن افراد و اعضای یک واحد اجتماعی یا سیاسی به‌طور داوطلبانه از اعمال اقتدار کامل خود صرف‌نظر می‌کنند تا در

۱ محمدحسین افتخاریان (۱۳۸۰)، ج۴، *دانشنامه جنگ و صلح*، همدان: نشرمسلم، ص۱۸۴۴؛ علی آقابخشی و مینو افشاری‌راد (۱۳۸۶)، *فرهنگ علوم سیاسی*، تهران: نشرچاپار، ص۳۲۱.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-18]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1396.9.35.5.4]

پرتو آن بتوانند به اهداف مشترکی برسند. در مقابل واگرایی عبارت است از اینکه اعضای یک واحد سیاسی یا اجتماعی نسبت به قبول اقتدار برتر خارج از چارچوب خود امتناع ورزند و بالطبع از منافعی که از این رهگذر به دست می‌آید چشم‌پوشی کنند.[۱]

مسئله تحقیق: در این پژوهش، مسئله تحقیق آن است که نگاه اسلام و قرآن و نیز رفتار رسول خدا(ص) در برابر اهل کتاب بر مبنای همگرایی است یا واگرایی و چنانچه همگرایی دیدگاه غالب است تحت چه شرایطی این نگاه به واگرایی تبدیل می‌شده است. با این حال اصول کلی قرآن در رفتار در برابر اهل کتاب رفتاری عدالت‌گرایانه و نیک‌رفتاری است، البته نسبت به آن دسته که با اسلام و مسلمانان نجنگیده و آزاری به آنان نمی‌رسانند.[۲] با وجود این در کل، همگرایی بر این اساس تعریف شده که مسلمین هرگز نباید یهود و نصارا (کافران آنان) را به‌عنوان ولی خود قرار دهند[۳] و این نشان می‌دهد که خداوند سیطره و سلطه آنان را بر مسلمانان نمی‌پسندد.

پیشینه تحقیق: در مورد روابط و تعامل اسلام با اهل کتاب تحقیقات متعددی انجام شده است که بیشتر این مقالات از زوایای فقهی و برخی نیز از زوایای سیاسی به این روابط پرداخته‌اند. اعتقاد برخی این است که نگاه قرآن و پیامبر اکرم(ص) غالباً مبارزه و برخورد با اهل کتاب بوده است. نرجس خادمی در مقاله «تعامل با اهل کتاب از منظر قرآن و سنت»[۴] بیشتر کوشیده است رفتار مسلمانان در دنیای معاصر را به لحاظ فقهی با اهل کتاب بر اساس قرآن روشن سازد. مقالاتی تحت عناوین «ازدواج دائم با اهل کتاب در فقه اسلامی و حقوق مدنی ایران»،[۵] «ازدواج مرد مسلمان با زن اهل کتاب»،[۶] «حکم ازدواج با زنان اهل کتاب در قرآن کریم»،[۷] «حلّیت و حرمت ذبایح اهل

۱ آقابخشی و افشاری‌راد، همان، ص۱۹۴.
۲ ممتحنه (۶۰): ۸.
۳ مائده (۵): ۵۱.
۴ نرجس خادمی (۱۳۸۸)، «تعامل با اهل کتاب از منظر قرآن و سنت»، *فصلنامه تحقیقات علوم قرآن و حدیث*، ش۱۱، صص۴۹-۶۶.
۵ عبدالرضا محمدحسین‌زاده (۱۳۸۵)، «ازدواج دائم با اهل کتاب در فقه اسلامی و حقوق مدنی ایران»، *مقالات و بررسی‌ها*، ش۸۰، صص۱۴۹-۱۶۰.
۶ سیدموسی شبیری زنجانی (۱۳۸۸)، «ازدواج مرد مسلمان با زن اهل کتاب»، *فقه اهل بیت*، ش۵۸ و ۵۹، صص۱۰-۴۰.
۷ علی عندلیبی (۱۳۹۳)، «حکم ازدواج با زنان اهل کتاب در قرآن کریم»، *قرآن، فقه و حقوق اسلامی*، ش۱، صص۱۲۹-۱۶۰.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-18]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1396.9.35.5.4]

کتاب و پیامدهای حقوقی آن»،[۱] «حلیت ذبایح اهل کتاب»[۲] و «نقدی بر نجاست ذاتی اهل کتاب»[۳] از مباحث فقهی و قرآنی مربوط به ازدواج با اهل کتاب و ذبایح و موضوع طهارت آنان سخن رانده‌اند.

از نظرگاه سنت و سیره نبوی نیز پژوهشی با عنوان «سیره سیاسی و مبارزاتی پیامبر اعظم(ص) با اهل کتاب»[۴] به نگارش درآمده که برخوردهای روانی و جنگ‌های تبلیغاتی و برخوردهای فیزیکی و جنگ‌های نظامی بین پیامبر(ص) و اهل کتاب را تبیین ساخته است و دیدگاهی کاملاً واگرایانه دارد. مقاله دیگری با عنوان «نقد دیدگاه مفسران معاصر دربارهٔ تعامل پیامبر(ص) با اهل کتاب در مکه»[۵] صرفاً به این تعامل در شهر مکه اختصاص یافته است. برخی نیز به ذکر مباحث مربوط به فلسفه و احکام جزیه از اهل کتاب پرداخته‌اند.[۶]

در نوشتار حاضر کوشیده‌ایم تا براساس قرآن و سنت نبوی ابتدا ویژگی‌ها و صفات اهل کتاب و عوامل همگرایانه و واگرایانه قرآن و رفتار رسول خدا(ص) را روشن سازیم و سپس شرایط رفتاری اهل کتاب که باعث تغییر این همگرایی به واگرایی شده است را در عرصهٔ تاریخ عصر نبوی تبیین کنیم.

بخش اول: دیدگاه قرآن کریم در باب اهل کتاب

دین اسلام برای اهل کتاب مقرراتی قائل شده است زیرا اینان از نظر پیروی از یک دین آسمانی شباهتی با مسلمانان دارند، ولی از جهتی دیگر شبیه مشرکان هستند. به همین دلیل اجازه کشتن آنها را نمی‌دهد و گرفتن «جزیه» در دستور کار قرار می‌گیرد.[۷]

اهل کتاب در منظر قرآن دو صنف‌اند یک دسته مؤمنان اهل کتاب و دسته دیگر کافران

۱ سیدمحمدرضا آیتی (۱۳۸۴)، «حلیت و حرمت ذبیح اهل کتاب و پیامدهای حقوقی آن»، *پژوهش دینی*، ش۹، صص۱۰۱- ۱۴۲.

۲ محمدابراهیم جناتی (۱۳۷۵)، «حلیت ذبایح اهل کتاب»، *کیهان اندیشه*، ش۶۵، صص۳-۳۰.

۳ محمدمهدی تقدیسی و کاظم قاضی‌زاده (۱۳۹۰)، «نقدی بر نجاست ذاتی اهل کتاب»، *پژوهش‌نامه فقه و حقوق اسلامی*، ش۸، صص۵۵-۸۶.

۴ احمد سعادت (۱۳۸۵)، «سیره سیاسی و مبارزاتی پیامبر اعظم(ص) با اهل کتاب »، *کوثر معارف*، ش۱، صص۱۶۷- ۲۲۴.

۵ امیر احمدنژاد و زهرا کلباسی اشتری (۱۳۹۳)، «نقد دیدگاه مفسران معاصر دربارهٔ تعامل پیامبر با اهل کتاب در مکه»، *پژوهش‌های قرآن و حدیث*، ش۱۱، صص۱۷۵-۲۰۱.

۶ علیرضا صابریان (۱۳۸۵)، «اهل کتاب و اخذ جزیه از آنان»، *پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی*، ش۳، صص۷۷ -۹۲.

۷ بنگرید به بحث جزیه در صفحات بعدی.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-18]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1396.9.35.5.4]

اهل کتاب. بر همین اساس نیز دو نوع نگاه و دیدگاه «واگرایانه» و «همگرایانه» در برابر آنان اتخاذ شده است. با این حال غالب سیاق آیات قرآن کریم نشانی از دیدگاه همگرایانه با آنان دارد، مگر اینکه با مسلمانان و پیامبر(ص) از در خصومت درآمده، به توطئه و ایجاد شبهه در جبهه موحدان بپردازند که این تغییر نگاه عمدتاً به‌واسطه لجاجت و خصومت یهودیان صورت گرفته است.

خداوند مؤمنان اهل کتاب یعنی آنان که به توحید، معاد و کتاب آسمانی خود ایمانی راسخ دارند را در برابر کافران قرار می‌دهد که کتاب آسمانی خود را به کناری نهاده و زمام خرد خویش را به هوای نفس سپرده‌اند.[۱] صالحان اهل کتاب امتی استوار هستند و آیات خدا را در شب و روز می‌خوانند و سجده می‌کنند و ... با غیر آنان (کافران) یکسان نیستند.[۲] مفسران شأن نزول این آیه را عبدالله‌بن‌سلام، ثعلبة‌بن‌سعنه، اسیدبن‌سعنه، اسدبن‌عبید و دیگرانی از یهود دانسته‌اند که مسلمان شدند. یهودیان آنان را از اشرار قوم خود شمردند و می‌گفتند اگر آنان از اخیار بودند آیین نیاکان خود را ترک نمی‌گفتند.[۳] البته چهل تن از مسیحیان نجران و ۳۲ تن از مردم مسیحی حبشه و هشت تن از مردم روم که تا آن روز اسلام را پذیرفته بودند، نیز مشمول این آیه هستند.[۴]

الف) دیدگاه همگرایانه با (مؤمنان) اهل کتاب و توصیف آنان

۱. اهل نجات و رستگار دانستن مؤمنان اهل کتاب

در قرآن، اهل کتاب یعنی یهود، مسیحیان، مجوس (زرتشتیان) و صابئین، تالی و هم‌ردیف مؤمنان شمرده شده‌اند که خداوند حساب آنان را در روز قیامت از مشرکان جدا می‌سازد و

۱ بقره (۲): ۶۲؛ مائده (۵): ۶۹.

۲ آل‌عمران (۳): ۱۱۳- ۱۱۵.

۳ ابوجعفرمحمدبن‌حسن طوسی (۱۳۸۷)، *المبسوط فی فقه الإمامیه*، ج۲، تهران: المکتبة المرتضویة لإحیاء الآثار الجعفریة، ص۵۶۳؛ جلال‌الدین سیوطی (۱۴۰۴ق)، *الدر المنثور فی تفسیر المأثور*، ج۲، قم: کتابخانهٔ آیت‌الله مرعشی نجفی، ص۶۵.

۴ سید عبدالحجت بلاغی (۱۳۸۶)، *حجة التفاسیر و بلاغ الإکسیر*، ج۱، قم: حکمت، ص۲۹؛ ناصر مکارم شیرازی (۱۳۷۴)، *تفسیر نمونه*، ج۳، تهران: نشر اسلامی، ص۵۷.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-18]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1396.9.35.5.4]

آنان را اهل نجات و رستگاری[۱] و موحد و یکتاپرست می‌شمارد.[۲] نگاه همگرایانه قرآن با این دسته از اهل کتاب بدان سبب است که به روز جزا ایمان دارند و عمل صالح انجام می‌دهند، لذا نزد خداوند مأجورند و نباید هیچ خوف و نگرانی و اندوهی به خود راه دهند.[۳] در این آیه بنا به نظر مفسرین، ایمان ظاهری ملاک نیست، بلکه منظور حقیقت ایمان است و جز آن نزد خدا هیچ ارزشی ندارد. همچنان‌که یهود و نصاری می‌گفته‌اند: داخل بهشت نمی‌شود، مگر کسی که یهودی و یا نصاری باشد،[۴] ولی خداوند می‌فرماید تنها حقیقت ایمان به خدا و روز جزاء و نیز عمل صالح باعث نجات و رستگاری است.[۵]

۲. تأکید بر اشتراکات با اهل کتاب

خداوند به رسولش گوشزد می‌کند جهت ایجاد همگرایی بیشتر بین ادیان آسمانی بر وجود نقاط اشتراک تأکید کند تا به این طریق زمینه برای پذیرش واقعیت‌ها فراهم گردد و به‌سوی وحدت کلمه سوق داده شوند.[۶]

۳. همزیستی مسالمت‌آمیز با اهل کتاب

خداوند، مسلمانان را به سلوک و برخورد نیک و احترام متقابل و همزیستی مسالمت‌آمیز با اهل کتاب فرمان داده که مصداق بارز آن مجادله با «اهل کتاب» است که باید به‌صورت ملایم باشد، آنجا که می‌فرماید: «با اهل کتاب جز با روشی که از همه نیکوتر است مجادله نکنید».[۷] منظور از مجادله، بحث و گفتگوهای منطقی است، یعنی الفاظ مؤدّبانه، لحن سخن دوستانه، محتوای مستدل، آهنگ صدا خالی از فریاد و جنجال و هرگونه خشونت و هتک احترام که همان جدال أحسن به حساب می‌آید.[۸] همچنین در آیاتی دیگر به مکان‌های

---

۱ حج (۲۲): ۱۷.
۲ آل‌عمران (۳): ۶۴.
۳ بقره (۲): ۶۲.
۴ بقره (۲): ۱۱۱.
۵ سید محمدحسین طباطبایی (۱۴۱۷ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ج۱، قم: جامعهٔ مدرسین حوزهٔ علمیه، چ۵، صص۲۹۲-۲۹۳.
۶ آل‌عمران (۳): ۶۴؛ ابن‌شهر آشوب مازندرانی (۱۳۶۹ق)، *متشابه القرآن و مختلفه*، ج۱، قم: نشر داروبیدار، چ۱، ص۴۵.
۷ عنکبوت (۲۹): ۴۶.
۸ محمدجواد مغنیه (۱۴۲۴ق)، *تفسیرکاشف*، ج۶، تهران: دارالکتب الإسلامیه، چ۱، ص۱۱۶؛ ملافتح الله کاشانی ←

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-18]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1396.9.35.5.4]

مذهبی‌شان به دید احترام نگریسته و نیز صومعه‌ها و معابد ایشان را در کنار مساجد، مکان ذکر و یاد خداوند شمرده است.[۱]

۴. حلیت طعام و ازدواج با زنان مؤمنه اهل کتاب

خداوند، خوردن طعام و خوراک آنان را حلال و نیز ازدواج با زنان مؤمنه آنان را مجاز دانسته است.[۲] البته در بین فقهای اسلام در این خصوص اختلافاتی وجود دارد؛ بعضی گفته‌اند مراد از خوراک و اطعمه حلال، حبوبات و میوه‌هاست نه ذبیحه‌های آنها، زیرا پایبند به رعایت شرائط ذبح نیستند.[۳] در باب ازدواج نیز با زنان پاکدامن از آنان به شرط پرداخت مهر از طریق ازدواج صداق مجاز است.[۴]

۵. ستایش امانتداری اهل کتاب

خداوند اقدام خیرخواهانه برخی از اهل کتاب را که به ادای حق مسلمین و بازگرداندن امانات آنان توجه داشتند می‌ستاید[۵] و آنان را به دو دسته تقسیم می‌کند، دسته‌ای که اگر بر پوستی انباشته از طلا امینشان شمری، آن را به تو باز می‌گردانند و دسته‌ای که اگر بر دیناری امینشان شمری، آن را به تو باز نمی‌گردانند.[۶] شأن نزول این آیه عبدالله‌بن‌سلام از یهودیان امانتدار و فنحاص‌بن‌عازوراء خائن به امانت است که با یکدیگر مقایسه شده‌اند، زیرا اموالی از مردم نزد عبدالله‌بن‌سلام بود و وی آنها را به‌موقع پرداخت و خیانت نکرد.[۷] یکی از توطئه‌های صریح یهود این بود که از باز پس دادن قرض‌های خود و امانت‌هایی که از سوی یهودیان نومسلمان به آنها

→ (۱۳۳۶)، *تفسیر منهج الصادقین فی إلزام المخالفین*، ج۷، تهران، کتابفروشی علمی، ص۱۴۳.

۱ حج (۲۲): ۴۰.

۲ (و طعام الذین اوتوا الکتاب حل لکم و طعامکم حل لهم)، مائده (۵): ۵.

۳ طوسی، همان، ج۳، ص۴۴۴؛ مکارم شیرازی، همان، ج۴، صص۲۷۷-۲۷۸.

۴ ابوبکرعتیق‌بن‌محمد سورآبادی (۱۳۸۰)، *تفسیر سورآبادی*، ج۱، تهران: فرهنگ نشر نو، چ۱، ص۵۳۲؛ ابراهیم أبیاری (۱۴۰۵ق)، *الموسوعه القرآنیه*، ج۹، بی‌جا: نشر مؤسسهٔ سجل العرب، ص۳۶؛ ملامحسن فیض کاشانی (۱۴۱۵ق)، *الصافی فی تفسیرالقرآن*، ج۲، تهران: مکتبة الصدر، چ۲، ص۱۴.

۵ آل‌عمران (۳): ۷۵.

۶ آل‌عمران (۳): ۷۵.

۷ محمدبن‌احمدقرطبی (۱۳۶۴)، *الجامع لأحکام القرآن*، ج۴، تهران: ناصرخسرو، چ۱، ص۱۱۵؛ أبیاری، همان، ج۹، ص۲۳؛ بلاغی، همان، ج۱، ص۲۷؛ ابن عاشور [بی‌تا]، *التحریر و التنویر*، ج۳، [بی‌جا]: [بی‌نا]، ص۱۳.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-18]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1396.9.35.5.4]

سپرده شده بود خودداری می‌کردند و می‌گفتند برگرداندن این اموال تا زمانی که مسلمان نشده بودید امکان‌پذیر بود، ولی اسلام آوردن شما باعث ابطال این حقوق شده است.[۱]

ب) دیدگاه واگرایانه با (کافران) اهل کتاب در قرآن

خداوند در قرآن از «کافران» اهل کتاب یاد کرده و گوشزد می‌کند که عده‌ای از آنان به جهت منافع شخصی خویش، شرایع و دستورات کتاب الهی را کنار گذاشته، به برخی عمل کرده و از برخی دیگر روی گردانده‌اند.[۲] بنابراین غلبه آیات واگرایانه با اهل کتاب ناظر به رفتار یهودیان و گستاخی و پیمان‌شکنی‌ها[۳] و عناد آنان با اسلام است و البته در این جا به‌ندرت مسیحیان مورد عتاب قرار گرفته‌اند[۴] مگر در امور اعتقادی.

۱. توبیخ به سبب کفر به آیات الهی

خداوند، کافران اهل کتاب را توبیخ می‌کند که چرا به آیات الهی کافر می‌شوند حال آنکه خود شاهد و گواه آن هستند،[۵] در اینجا منظور نبوت رسول خدا(ص) است که نشانه‌های آن در تورات و انجیل وجود دارد.[۶] در ادامه این آیه آنان نکوهش می‌شوند که چرا حق را به باطل درآمیخته و یا حق را پنهان می‌سازند حال آن که از آن آگاه‌اند.[۷] بی‌شک روشن است که خطاب خداوند در این آیات دو دسته هستند، یکی کافران و سست ایمانان اهل کتاب، اعم از یهودی و مسیحی و دیگر صرفاً یهودیان که می‌کوشند مؤمنان مدینه را در ایمانشان سست کنند.

۲. تلاش نکردن مسلمانان برای جلب رضایت آنان

هر انسانی باید با نیروی جاذبه اخلاق، دشمنان را به سوی حق دعوت کند. البته این امر در مقابل افراد انعطاف‌پذیر محقق می‌شود، اما در مورد کسانی که هرگز تسلیم حرف حق

---

۱ عفیف عبدالفتاح طباره (بی‌تا)، *چهره یهود در قرآن*، قم: [بی‌نا]، صص۲۷-۲۸.
۲ بقره (۲): ۸۵ .
۳ بقره (۲): ۸۳؛ انفال (۸): ۵۵ و ۵۸.
۴ مائده (۵): ۸۲.
۵ آل‌عمران (۳):۷۰.
۶ طوسی، همان، ج۲، ص۴۹؛ إبن عاشور، همان، ج۳، ص۱۲؛ أبوعبدالله محمدبن‌عمر رازی (۱۴۲۰ق)، *مفاتیح الغیب*، ج۸، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چ۳، ص۲۵.
۷ آل‌عمران (۳): ۷۱، ۹۸-۹۹.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-18]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1396.9.35.5.4]

نیستند، نباید در فکر جلب رضایت آنها بود. در زمان حضور پیامبر(ص) در مدینه، یهودیان و مسیحیان از حضرت، تقاضای مدارا کردند و وعده دادند که اگر مدارا کند و مهلتشان دهد بدو بگروند که آیه‌ای نازل شد که هرگز یهود و نصاری از تو راضی نخواهند شد مگر آنکه از آیین آنها پیروی کنی.[۱]

۳. نکوهش عقاید انحرافی و بدعت‌آمیز آنان

برخورد قرآن با کافران اهل کتاب از آن رو واگرایانه بوده که نبوت پیامبر اکرم(ص) را انکار می‌کردند و نیز برخی عقاید شرک‌آمیز در میان آنان رواج یافته بود.[۲] از جمله قائل شدن فرزند برای خدا و مقام خدایی برای مسیح و اعتقاد به تثلیث که خداوند آن را مردود دانسته است و آنان را از اینکه در مورد مسیح غلو کنند سرزنش می‌کند و از اینکه به اقنوم ثلاثه اعتقاد داشته باشند، بر حذر می‌دارد.[۳] همچنین خداوند این گفته یهود را که عزیر را پسر خداوند می‌خوانند، ادامه همان نظر کافران اهل کتاب می‌داند و آن را افترایی بزرگ در حق خداوند ذکر می‌کند.[۴] علت آنکه یهودیان عزیر را فرزند خدا می‌شمارند آن است که وی در نزد کوروش هخامنشی از یهودیان شفاعت کرده و باعث آزادی‌شان شده و کتاب *تورات* را از نو نوشته است. به همین دلیل یهود او را ابن‌الله می‌دانند و برای او فوق‌العاده احترام قائل‌اند.[۵]

۴. اختلاف‌افکنی بین مسلمانان

قرآن اطاعت مسلمین از کفار اهل کتاب را نهی کرده و مسلمین را در این امر به واگرایی فراخوانده است. زیرا دسته‌ای از آنان قصد نفاق‌افکنی و شعله‌ور ساختن آتش کینه و عداوت در میان مسلمین را دارند.[۶]

این دستور الهی در پی ماجرایی رخ داد که در آن مردی بهودی به نام شاس‌بن‌قیس کوشید

۱ بقره (۲): ۱۲۰؛ ابوالحسن‌علی‌بن‌احمدواحدی‌نیشابوری (۱۴۱۷ق)، *اسباب النزول*، جده: [بی‌نا]، ص۲۶؛ مکارم شیرازی، همان، ج۱، ص۴۲۹.

۲ بقره (۲): ۱۰۵؛ بینه (۹۷):۱.

۳ مائده (۵): ۱۷، ۷۲-۷۳.

۴ توبه (۹): ۳۰.

۵ محمدبن‌مسعودعیاشی (۱۳۸۰ق)، *تفسیرعیاشی*، ج۲، تهران: مکتبة العلمیة، ص۸۶؛ بلاغی، همان، ج۳، ص۸۸؛ طباطبایی، همان، ج۹، ص۲۴.

۶ آل‌عمران (۳): ۱۰۰.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-18]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1396.9.35.5.4]

با خواندن شعری دشمنی دوران جاهلیت را میان اوس و خزرج زنده کند تا آنجا که نزدیک بود این دو گروه علیه یکدیگر وارد جنگ شوند. در این موقع آیه‌ای نازل گردید و رسول خدا(ص) بین دو گروه ایستاد و با صدای بلند آن را قرائت فرمود که پس از قرائت آن دو گروه سلاح افکندند و همدیگر را با چشم تر بغل کردند.[۱]

بخش دوم: رسول خدا(ص) و اهل کتاب

رفتار همگرانه پیامبر(ص) در برابر اهل کتاب

در میان ادیان موجود در حجاز یعنی یهود و مسیحیت، روابط مسیحیان با مسلمانان نسبت به یهودیان مداراگرانه و همراه با احترام متقابل بوده است. آنان معمولاً نسبت به معاهدات خویش با مسلمین پایبند بودند و بر خلاف یهودیان، موردی از نقض معاهداتشان با پیامبر(ص) و مسلمانان دیده نشده است، لذا رفتار پیامبر(ص) نیز بر همین اساس با آنان بیشتر مداراگرانه بوده است.

الف) یهود

۱. هم‌سطح قرار دادن آنان با مسلمانان

براساس رهنمودهای الهی، پیامبر(ص) نیز پس از تشکیل حکومت در مدینه با یهودیان به‌نرمی و ملاطفت رفتار می‌کردند و در موقعیت‌های مناسب، آنان را به‌سوی حق فرا می‌خواندند. ایشان کوشیدند تا با ملحق ساختن یهودیان ساکن مدینه به پیمان‌نامه عمومی مدینه آنان را به همگرایی وادارند و جزوی از بدنه امت واحده سازند. در این پیمان‌نامه حقوق یهودیان و حتی غلامان آنان به اندازه حقوق مسلمانان برابر تعیین و وظایف هریک از قبایل یهود روشن شد. از مفاد آن اینکه: «...هرکس از یهود از ما پیروی کند از یاری و برابری با ما برخوردار خواهد شد، هیچ‌یک از یهود حق ندارد مالی یا شخصی از مشرکان را در پناه خود گیرد و از تسلط مؤمنی بر آن جلوگیری کند. نه به یهود ظلم می‌شود و نه مسلمانان کسی را بر ضد آنان یاری می‌رسانند...».[۲] این رفتار همگرایانه

۱ واحدی نیشابوری (۱۴۱۷ق)، همان، ص۶۴؛ محمود آلوسی (۱۴۱۵ق)، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*، ج۲، بیروت: دارالکتب العلمیة، چ۱، ص۲۳۳؛ رازی، همان، ج۸، ص۳۰۸.

۲ ابن هشام (۱۳۵۶ق)، *السیرة النبویة*، ج۱، قاهره: [بی‌نا]، ص۳۲۵؛ ابن‌کثیر (۱۴۰۷ق)، *البدایة و النهایة*، ج۳، بیروت: دارالفکر، ص۲۲۵؛ إبن‌سیدالناس (۱۴۱۴ق)، *عیون الأثر فی فنون المغازی و الشمائل و السیر*، ج۱، بیروت: دارالقلم، ←

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-18]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1396.9.35.5.4]

و حتی برتر از قواعد شهروندی در برابر مخالفان باعث شد تا برخی از بزرگان یهود مثل مخیرق یهودی، اموال خود را به پیامبر(ص) وصیت کرده و حتی مسلمان شوند.[۱]

۲. دعوت یهود به همگرایی

آن حضرت طی مکاتباتی با یهودیان خیبر کوشیدند تا در میان آنان نیز همگرایی ایجاد کنند، لذا در نامه‌ای که خطاب به آنان فرستادند، خود را همتای موسی(ع) و برادر او و تصدیق‌کننده آنچه او آورده است اعلام کردند.[۲] در ادامه نامه افزودند: «شما را به خدا وآنچه بر شما نازل شده، و به کسی که پیشینیان شما را با «من و سلوی»،[۳] پذیرایی کرد و خدایی که دریا را برای عبور نیاکان شما باز کرد سوگند که به من بگویید آیا در آنچه خدا بر شما نازل کرده، چیزی می‌یابید که بر محمد ایمان بیاورید؟ اگر چنین چیزی در تورات پیدا می‌کنید، چنانچه بر شما اکراهی نیست (ایمان آورید) که ضلالت از هدایت بازشناخته شود.[۴]

ب) مسیحیان

۱. تأکید بر اشتراکات

آن حضرت کوشیدند تا با مسیحیان معتقد به خدا و روز جزا، تعاملات حسنه برقرار کنند و آنان را به اسلام فراخوانند و به بیان مشترکات دینی خود با دین مسیحیت بپردازند. رسول خد(ص) با استناد به قرآن کریم با زبانی لین و آرام، همراه با موعظه حسنه و برخورد مسالمت‌آمیز و مداراگرانه به وسیلهٔ فرستادن نامه و حضور شخصی خود در منطقهٔ تبوک موفق شدند تا بخش‌های عمده‌ای از

→

چ۱، صص۲۲۷-۲۲۸.

۱ إبن‌حیون (۱۴۰۹ق)، *شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار(ع)*، ج۳، قم: جامعهٔ مدرسین حوزهٔ علمیه، چ۱، ص۱۹۰؛ عبدالله‌بن‌نورالله‌بحرانی اصفهانی (۱۴۱۳ق)، *عوالم العلوم و المعارف*، ج۱۱، قم: مؤسسهٔ امام مهدی(عج)، ص۱۰۶۰؛ إبن‌سیدالناس، همان، ج۱، ص۲۴۰؛ إبن‌هشام، همان، ج۱، ص۵۱۸.

۲ إبن‌هشام، همان، ج۱، ص۵۴۵؛ إبن‌سیدالناس، همان، ج۱، ص۲۴۳؛ علی احمدی میانجی (۱۴۱۹ق)، *مکاتیب الرسول*، ج۲، قم: دارالحدیث، چ۱، صص۴۸۳-۴۸۴ .

۳ بقره (۲): ۵۷؛ اعراف (۷): ۱۶۰؛ خداوند از بنی‌اسرائیل در بیابان از «من و سلوی» پذیرایی کرد: اولی شیره مخصوص و لذیذ درختان، دومی مرغابی شبیه کبوتر است (نک: فضل‌بن‌حسن‌طبرسی (۱۴۱۷ق)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، ج۱، بیروت: موسسة الاعلمی للمطبوعات، ص۲۴۳).

۴ بقره (۲): ۲۵۶.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-18]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1396.9.35.5.4]

مسیحیان در مناطق أذرح، أیله و جربا[۱] و نیز مسیحیان نجران[۲] و مقوقس حاکم مسیحی مصر[۳] را بـه اسلام رهنمون سازند و همه آنان را تحت حمایت خویش قرار دهند.

۲. به چالش کشیدن عقاید انحرافی آنان

پیامبر(ص) در مواردی می‌کوشید تا کژی‌های اعتقادی مسیحیان را با گفتاری منطقـی و مسـتدل بیان و با ایشان مناظره کند. نمونه مهم و قابل ذکر آن، ماجرای مباهلـه بـا مسـیحیان نجـران است. این راه را خداوند برای رسولش قرار داد تا هم صداقت او و درستی دعوتش را روشـن و هم دروغگویی و بطلان سخنان مسیحیان را در مورد حضرت عیسی آشکار سازد[۴] و علاوه بر آن زمینه‌ای فراهم شود تا علو جایگاه و منزلت اهل بیت رسول خـدا(ص) بـر همگـان روشـن گردد.[۵] مباهله از ریشه بهله است و نبتهل، «ای تضرع فی الدعا».[۶] در حقیقت مباهله را همـان ملاعنه تعریف کرده‌اند. در هر حال مباهلـه بـه سـبب تـرس مسـیحیان انجـام نشـد و آنـان پذیرفتند جزیه دهند. پس از بازگشت اسقفان به سوی نجران، رسول خدا(ص) پیمان و یا فرمانی برای مسیحیان و مردم نجران صادر کرد که بر اساس آن می‌توانستند به‌جـای خـراج، سـلاح، اسب و شتر وکالاهای دیگر پرداخت کنند.[۷]

۳. دعوت به حق همراه با رأفت و رحمت

رسول خدا(ص) در سال هفتم پس از هجرت که فرصتی برای تبلیغ آیین خود در خارج از مدینه

---

۱ أبوالحسن احمد بلاذری (۱۹۸۸م)، *فتوح البلدان*، بیروت: دار و مکتبة الهلال، ص۶۷؛ محمدبن‌جریرطبـری (۱۳۸۷ق)، *تاریخ الأمم و الملوک*، ج۳، بیروت: دارالتراث، چ۲، ص۱۰۸.

۲ تقی‌الدین‌مقریزی (۱۴۲۰ق)، *أمتاع الأسماع بما للنبی من الأحوال و الأموال و الحفده و المتاع*، ج۲، بیروت: دارالکتـب العلمیه، چ۱، ص۹۵؛ طبری، همان، ج۳، ص۱۳۹

۳ شمس‌الدین‌محمدبن‌احمدذهبی (۱۴۱۳ق)، *تـاریخ الإسـلام*، ج۲، بیـروت: دارالکتـاب العربـی، چ۲، صـص۵۱۱-۵۱۲؛ حمدالله مستوفی (۱۳۶۴)، *تاریخ گزیده*، تهران: نشر امیرکبیر، چ۳، ص۱۴۹.

۴ آل‌عمران (۳): ۶۱-۶۳.

۵ فخرالدین طریحی (۱۴۱۳ق)، *مجمع البحرین*، ج۵، بی‌جا: دارالثقافة الاسلامیه، ص۳۲۷؛ راغـب اصـفهانی (۱۴۱۲ق)، *مفردات ألفاظ القرآن*، بیروت: دارالقلم، چ۱، ص۱۴۹.

۶ طبرسی، همان، ج۲، ص۷۶۴.

۷ در مورد ماجرای مباهله نک: إبن‌واضح یعقوبی (۱۳۵۸ق)، *تاریخ الیعقوبی*، ج۱، نجـف: مکتبـةالمرتضـویة، ص۴۵۱؛ بـلاذری (۱۹۷۴م)، *انساب الاشراف*، ج۲، بیروت: مؤسسة الاعلمی، چ۱، ص۱۰۷؛ ابن‌هشام، همان، ج۲، ص۵۵۴؛ طبرسی، همان، ج۲، ص۳۹۱؛ إبن‌بابویه (۱۳۸۸)، *الامالی*، قم: ذوی القربی، ص۵۲۵؛ ابن‌سعد (۱۳۷۶ق)، *الطبقات الکبـری*، ج۱، لبنـان: دارصـادر، ص۲۱؛ مجلسی (۱۴۰۳ق)، *بحارالانوار*، ج۹۲، بیروت: دارالإحیاء التراث العربی، چ۲، ص۲۴۰.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-18]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1396.9.35.5.4]

و مکه یافته بودند، نامه‌هایی به پادشاهان و بزرگان سرزمین‌ها و قبایل همجوار که همه آنان اهل کتاب و بیشترشان از مسیحیان بودند فرستادند. متن کوتاه نامه‌ها، نشان از دعوت به همگرایی اهل کتاب داشت. در این نامه‌ها هیچ‌گونه رنگ و بوی تندی و خشونت و یا دعوت به جنگ حتی دریافت جزیه دیده نمی‌شد. در همه این نامه‌ها یک سخن مشترک به چشم می‌خورد و آن هم با لسان لین و در کمال آرامش که خداوند قبلاً به حضرت موسی(ع) در برابر فرعون هم توصیه کرده بود.[۱] این کلام عبارت بود «اسلم تسلم»، اسلام بیاورید تا در سلامت باشید و اگر نپذیرید گناه اهل کتاب و پیروان و مردمان شما بر گردن شما است.[۲] همین چند کلام چنان تأثیری بخشید که باعث شد نجاشی مسیحی، مسلمان شود و البته اسلام خود را آشکار نسازد،[۳] قیصر مسیحی روم رفتاری پسندیده با سفیر ایشان نشان دهد و البته قصد داشت در ابتدا اعلام پذیرش اسلام کند، ولی به سبب شورش و مخالفت درباریان از حرف خود برگشت.[۴] مقوقس مسیحی، پادشاه مصر برای پیامبر(ص) دعا کرد و نامه‌ای محبت‌آمیز برای ایشان نوشت و هدایای نفیسی همراه دو کنیز و یک استر برایشان به مدینه فرستاد.[۵] پیامبر(ص) در نامه‌هایی که به اسقف قبیلهٔ بنی‌حارث‌بن‌کعب و اسقف‌های نجران نوشتند فرموده بود آنچه در اختیار ایشان است بی‌کم‌وکاست از جمله صومعه‌ها و پیشوایی مراسم نمازگزاری همچنان از آن ایشان خواهد بود و هیچ اسقفی و راهبی را از مرتبه خویش معزول نخواهد کرد.[۶]

ج) دیدگاه همگرایانه (مؤمنان) اهل کتاب (یهود) در برابر پیامبر(ص)

در مورد همگرایی و رفتار همگرایانه یهود در برابر پیامبر(ص) موارد بسیار اندک و نادری گزارش شده و این امر نشان‌دهنده آن است که یهود بیش از آنکه همگرا باشد واگرا بوده است. با این حال نمونه‌های اندک نشان می‌دهد که مؤمنان یهود نه تنها با پیامبر(ص) با مدارا بر

۱ طه (۲۰): ۴۴.
۲ طوسی، همان، ج۷، ص۱۷۵؛ عبدالحسین طیب (۱۳۷۸)، *أطیب البیان فی تفسیر القرآن*، ج۹، تهران: اسلام، چ۲، ص۳۶.
۳ ابن‌سعد، همان، ج۱، ص۱۹۹.
۴ همان، ج۱، ص۲۰۰.
۵ همان، ج۱، ص۲۰۲.
۶ همان، ج۱، ص۲۰۴.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-18]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1396.9.35.5.4]

خورد کردند، بلکه برخی نیز اسلام آوردند از جمله عبدالله‌بن‌سلام، ثعلبة‌بن‌سعنه، اسیدبن‌سعنه، اسدبن‌عبید و تعدادی دیگر.[۱] در این میان قرآن نیز عمل عبدالله‌بن‌سلام در خصوص امانتداری اموال مسلمانان را ستوده است.[۲]

د) دیدگاه واگرایانه (کافران) اهل کتاب (یهود) در برابر پیامبر(ص) و مسلمانان

به‌رغم تمامی تلاش‌های اسلام و پیامبر(ص) برای ایجاد همگرایی در میان یهودیان در مدینه، آنان به رفتاری واگرایانه و حتی مخاصمت‌آمیز با پیامبر(ص) و مسلمانان دست زدند.

۱. تلاش برای گمراه ساختن مؤمنان

در قرآن اشاره شده است عده‌ای از یهودیان قصد گمراهی مسلمین را داشتند، درحالی‌که با این کار، خود را گمراه‌تر از قبل می‌کردند.[۳] آنان می‌کوشیدند تا مسلمانان پاک و شجاعی چون عماربن‌یاسر، معاذبن‌جبل و حذیفه را به آیین خود دعوت کنند و با وسوسه‌های شیطانی از اسلام برگردانند، لذا خداوند به همه مسلمانان هشدار داد.[۴]

۲. تمسخر خدا و مؤمنان

خداوند پیروان هر دینی را به برپایی شعائر و احکام آن دستور داده است از جمله یهودیان را به دادن اموالی به‌عنوان انفاق، زکات و مانند آن امر کرده و آن دسته از اهل کتاب را که به طعن و نیشخند در برابر فرامین الهی می‌ایستند، به عذابی سوزان وعده داده است.[۵] این امر بدان سبب بود که رسول خدا(ص) چون دید مسلمانان روزگار سختی را می‌گذرانند، نامه‌ای به یهود بنی‌قینقاع نوشت و در طی آن، آنها را به پرداخت زکات و دادن قرض به خدا (انفاق) دعوت کرد. فرستاده پیامبر(ص) به خانه‌ای که مرکز تدریس مذهبی یهودیان (بیت‌المدارس) بود وارد

---

۱ طوسی، همان، ج۲، ص۵۶۳؛ جلال‌الدین‌سیوطی (۱۴۰۴ق)، *الدر المنثور فی تفسیر المأثور*، ج۲، قم: کتابخانهٔ آیت‌الله مرعشی نجفی، ص۶۵.

۲ محمدبن‌احمدقرطبی (۱۳۶۴)، *الجامع لأحکام القرآن*، ج۴، تهران: ناصرخسرو، چ۱، ص۱۱۵؛ أبیاری، همان، ج۹، ص۲۳؛ بلاغی، همان، ج۱، ص۲۷؛ ابن‌عاشور [بی‌تا]، *التحریر و التنویر*، ج۳، [بی‌جا]: [بی‌نا]، ص۱۳.

۳ آل عمران (۳): ۶۹.

۴ واحدی نیشابوری، همان، ص۶۰؛ بلاغی، همان، ج۱، ص۲۷۴؛ مکارم شیرازی، همان، ج۱، ص۴۶۴.

۵ آل‌عمران (۳): ۱۸۱.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-18]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1396.9.35.5.4]

شد و نامه را به دست «فنحاص» دانشمند بزرگ یهود داد. او با لحن استهزاآمیزی گفت: اگر سخنان شما راست باشد، باید گفت خدا فقیر است و ما غنی و بی‌نیاز! زیرا اگر او فقیر نبود، از ما قرض نمی‌خواست! به‌علاوه پیامبرتان معتقد است خدا شما را از رباخواری نهی کرده، درحالی که خود او در برابر انفاق‌ها به شما وعده ربا و فزونی آن را می‌دهد! بعداً «فنحاص» انکار کرد چنین سخنانی گفته باشد که آیه‌ای نازل شد و پرده از چهرهٔ زشت یهودیان برداشت.[۱] در آیه دیگری بر آنان لعنت فرستاده شد که می‌گفتند دست خدا بسته است و خداوند پاسخ کوبنده‌ای به آنان داد که دست خودشان بسته است و هر دو دست خداوند باز و قدرتش بیکران است به هرگونه بخواهد می‌بخشد.[۲]

۳. بهانه‌جویی‌های اعتقادی (درخواست قربانی و ...)

یکی از بهانه‌جویی‌های یهود درخواست قربانی از پیامبر(ص) بود[۳] و بدین منظور، جمعی از بزرگان آنان به حضور ایشان رسیدند و گفتند: تو ادعا می‌کنی که خداوند تو را به‌سوی ما فرستاده، درحالی‌که خداوند در تورات از ما پیمان گرفته است به کسی که ادعای نبوت کند، ایمان نیاوریم؛ مگر اینکه برای ما حیوانی را قربانی کند و آتشی (صاعقه‌ای) از آسمان بیاید و آن را بسوزاند، اگر تو نیز چنین کنی ما به تو ایمان خواهیم آورد. آنگاه آیه‌ای نازل شد و خداوند تقاضای آنان را بهانه‌ای بیش ندانست.[۴]

از دیگر بهانه‌جویی‌های یهود این بود که از پیامبر(ص) می‌خواستند کتاب آسمانی خود را مثل *تورات* یک‌جا برای آنها بیاورد. بنابراین با توجه به درخواست وهب‌بن‌زید و رافع‌بن‌حرمله از بزرگان دینی بنی‌قریظه و بنی‌قینقاع[۵]، وحی الهی نازل شد و بهانه‌جویی آنان را آشکار کرد. در آن آیات اشاره شد که ایشان قبل از این حتی پا را فراتر نهاده و از حضرت موسی(ع) خواسته بودند خدا را آشکارا به آنان نشان دهد و به‌خاطر این ظلم و ستم، صاعقه آنها را فرا گرفت.[۶]

۱ طیب، همان، ج۳، صص۴۴۳-۴۴۴؛ هاشم‌بن‌سلیمان بحرانی (۱۳۷۴)، *البرهان فی تفسیر القرآن*، ج۱، قم: بعثت، چ۱، ص۷۱۷.
۲ مائده (۵): ۶۴.
۳ واحدی نیشابوری، همان، ص۱۵۲.
۴ آل‌عمران (۳): ۱۸۳؛ طوسی، همان، ج۳، ص۶۸؛ واحدی نیشابوری، همان، ص۷۳.
۵ محمدبن‌عمر واقدی (۱۴۰۹ق)، *المغازی*، ج۱، بیروت: مؤسسة الأعلمی، چ۲، ص۵۴۸؛ مجلسی، همان، ج۹، ص۶۷.
۶ نساء (۴): ۱۵۳؛ طبرسی، همان، ج۶، ص۲۲۸، فیض کاشانی، همان، ج۱، صص۳۴۵-۳۴۶.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-18]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1396.9.35.5.4]

۴. اطاعت از راهبان و احبار به‌جای خداوند

یکی از کارهای زشت یهودیان آن بود که دانشمندان و راهبان خویش را برابر با خدا قرار می‌دادند، درحالی‌که اینان بشر بودند و مرتکب خطا و نسیان می‌شدند. قرآن از این کارشان پرده برداشت.[۱] آنان به‌جای اطاعت خدا، از احبار و راهبان خود اطاعت کردند و به گفته‌های آنها گوش فرا دادند و بدون هیچ قید و شرطی از آنها فرمان بردند، درحالی‌که جز خدای متعال کسی شایسته این نوع تسلیم و اطاعت نیست.[۲]

۵. جنگ روانی در جهت منحرف نمودن افکار مؤمنان

یهودیان در اجرای جنگ روانی میان مسلمین اقدام به پرسیدن سؤالاتی می‌کردند که درواقع چیزی جز شبهات و شایعه‌پراکنی‌های بی‌اساس نبود و درواقع به دنبال ایجاد سدی جهت جلوگیری از گسترش روز افزون اسلام بودند، مانند: آیا این همان دین موعودی است که در تورات و انجیل به آن وعده داده شده است؟ آنان چنین طرح‌ریزی کردند که عده‌ای از یهودیان صبح ایمان بیاورند و عصر از آن برگردند و منکر شوند و طبق آیین یهود عمل کنند. خداوند از این تلاش و نفاق ایشان برای سست ایمان کردن مسلمانان پرده برداشت.[۳]

۶. نفاق و دورویی

اگرچه برخی از یهود خود را در برابر مؤمنان خوب نشان می‌دادند، ولی عده‌ای از آنان در خفا با مشرکان علیهٔ مسلمانان عمل می‌کردند. در اینجا قرآن از این نفاق پرده برمی‌دارد.[۴] اشاره آیه به ماجرایی است که طی آن قریش از کعب‌بن‌اشرف یهودی پرسیدند: آیا دین ما بهتر است یا دین محمد و اصحاب او؟ و وی پاسخ داد دین شما بهتر و قدیم‌تر است ولی دین محمد نوظهور است.[۵]

۷. استهزاء رسول خدا(ص)

یهودیان عده‌ای از شاعران ماهر و زبردست را اجیر می‌کردند تا پیامبر(ص) و مسلمین را در

---

۱ توبه (۹): ۳۱.
۲ طباطبایی، همان، ج۹، ص۲۵۳.
۳ آل‌عمران (۳): ۷۲؛ بلاغی، همان، ج۱، صص۲۷۴-۲۷۵.
۴ نساء (۴): ۵۱.
۵ طباطبایی، همان، ج۲، ص۱۸۹؛ واحدی نیشابوری، همان، ص۸۳.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-18]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1396.9.35.5.4]

اشعار خودشان استهزاء و شخصیت آنان را خراب کنند. این توطئه نیز با آیه‌ای برملا شد،[۱] مخصوصاً کعب‌بن‌اشرف که شاعری بدزبان و کینه‌توز بود و عده‌ای از مفسرین بر این عقیده‌اند آیه درخصوص وی نازل شده است.[۲]

۸. پنهان ساختن حقیقت

عده‌ای از افراد که در زمان جاهلیت با یهودیان مدینه پیوند دوستی داشتند، پس از ورود پیامبر(ص) به مدینه مسلمان شدند. آنان علاقه‌مند بودند تا مطالبی را که از علمای یهود قبل از اسلام در مورد آن حضرت شنیده بودند جمع‌آوری و به دیگران منتقل کنند تا قدمی مثبت در راه تبلیغ اسلام برداشته باشند. لذا گروهی از یهودیان که با حق دشمنی نداشتند از آنچه در تورات دربارهٔ صفات پیامبر(ص) آمده بود به آنان خبر می‌دادند. اما وقتی بزرگان یهود از این امر آگاه شدند، ایشان را نهی کردند.[۳] خداوند نیز آنان را نکوهش فرمود.[۴] شایان گفتن است آنان حتی نشانه‌های آن پیامبر(ص) را نیز تحریف می‌کردند.[۵] وقتی از علمای یهود می‌پرسیدند: آیا این همان پیامبر موعود نیست که بشارت می‌دادید؟ آنان آیات تحریف شده تورات را برای ایشان می‌خواندند.[۶] در این حال وحی الهی نازل شد و از این خیانتشان پرده برداشت.[۷]

۹. تحریض مشرکان بر جنگ با مسلمانان

یهود بنی‌نضیر می‌کوشیدند تا قریش را علیه مسلمانان تحریک کنند، لذا در رأس هیئتی وارد مکه شدند و با سران قریش تماس گرفتند و آنان را به جنگ علیه مسلمانان تحریک کردند[۸] و همین امر باعث شکل‌گیری غزوه احد شد.

---

۱ آل‌عمران(۳): ۱۸۶؛ مکارم شیرازی، همان، ج۳، ص۲۰۳.

۲ طبرسی، همان، ج۲، ص۹۰۳؛ واحدی نیشابوری، همان، ص۷۴؛ کعب به سبب کینه‌توزی‌هایش به‌دست چند تن از مسلمانان کشته شد.

۳ طبرسی، همان، ج۱، ص۲۷۲؛ طباطبایی، همان، ص۲۱۲.

۴ بقره (۲): ۱۴۶، ۱۵۹.

۵ طبرسی، همان، ج۱، ص۲۷۹.

۶ همانجا.

۷ بقره (۲): ۸۹؛ مجلسی، همان، ج۱۹، ص۱۱۲.

۸ ابن‌هشام، همان، ج۳، ص۲۰۱؛ علی‌بن‌ابراهیم قمی [بی‌تا]، *تفسیر قمی*، ج۲، قم: [بی‌نا]، ص۱۷۷.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-18]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1396.9.35.5.4]

۱۰. نفاق و فرصت‌طلبی

یهودیان می‌کوشیدند تا چنانچه بتوانند از حضور رسول خدا(ص) در مدینه بـه نفـع خـود بهـره ببرند. آنان به ایشان گفتند: ای محمد، تو می‌دانی ما اشراف یهود هستیم. اگر ما از تـو پیـروی کنیم، همه یهودیان با تو بیعت خواهند کرد. میان ما و گروهی دیگر از اقوام یهود (راجـع بـه قتل و دیه و ...) اختلاف و نزاع واقع شده است. اگر به نفع ما حکم کنی ما به تو ایمـان آورده و نبوت تو را تصدیق می‌کنیم، ولی رسول خدا(ص) درخواست آنهـا را نپـذیرفت.[۱] بعـد از ایـن اقدام مکارانه یهود، آیه‌ای نازل شد و اقدام آنان را نکوهش کرد.[۲]

ه) مقایسه همگرایی و واگرایی پیامبر(ص) و مسلمانان با مسیحیت و یهود

بررسی روابط یهودیان و مسیحیان با مسلمانان و رسول خدا(ص) نشان می‌دهد میزان همگرایـی مسیحیان با مسلمانان نسبت به یهودیان بسیار بالاتر و بیشتر بوده است و مسیحیان نسـبت بـه معاهدات خویش پایبند بوده‌اند. آن‌گونه که از متون تاریخی برمی‌آید و در بخش‌هـای پیشـین اشاره کردیم، پیمان‌ها و معاهدات بسیار فراوانی بـین رسـول خـدا(ص) و سـران و پادشـاهان و اسقفان مسیحی منعقد گشت که در همه آنها امنیت ایشـان در برابـر پرداخـت جزیـه و یـا برابری آنان با مسلمانان در صورت پذیرش اسلام تضـمین مـی‌شـد.[۳] بـر اسـاس همـین رفتـار مسالمت‌جویانه رسول خدا(ص)، بسیاری از قبایل عرب مسیحی در مرزهای شمال و نیز در یمن به‌راحتی اسلام را پذیرفتند و با مسلمانان همگرایی نشان دادند. عمده سفیرانی که از سـوی آن حضرت به مناطق مختلف رفتند با استقبال حاکمان مسیحی روبـه‌رو شـدند و یـا حـداقل بـا برخوردهای تند و خشونت‌آمیز مواجه نگردیدند، چیزی که هرگز در میـان یهودیـان دیـده نشد. یهودیان اگرچه در کنار پیامبر(ص) و مسلمانان می‌زیستند و ناچار به تعامل با آنان بودنـد، با این حال به‌رغم سیاست همگرایانه و مداراگرانه پیامبر(ص)، عمده آنان بر عهد و پیمان خـود باقی نماندند. از این روست که خداوند، دشمنی یهود را نسبت به مسلمانان همسان و قـرین بـا

۱ ابن‌هشام، همان، ج۲، ص۲۱۶؛ رشیدرضا (۱۴۱۴ق)، *تفسیر المنار*، ج۶، بیروت: دارالمعرفة، ص۴۲۱.

۲ مائده (۵): ۴۹.

۳ محمد حمیدالله (۱۳۷۴)، *نامه‌ها و پیمان‌های سیاسی حضرت محمد(ص)*، تهران: سروش، صص ۱۱۵-۱۳۰؛ احمـدی میانجی، همان، ج۱، صص۸۵-۲۸۰.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-18]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1396.9.35.5.4]

دشمنی مشرکان می‌یابد که از همه سخت‌تر است[۱] و لذا پیامبر(ص) نیز رفتار همگرایانه خود را به واگرایانه تغییر داد. البته تمامی یهود دارای این خصیصه نبودند، بلکه عده‌ای خود را به اجرای معاهدات موجود ملزم می‌دانستند، هرچند منجر به خسارتشان شده باشد، البته آنان در اقلیت بودند. در هر حال پیامبر(ص) ناچار شد با این سه قبیله پیمان‌شکن برخورد و طی سه نبرد غزوه بنی‌قینقاع، بنی‌نضیر[۲] و بنی‌قریظه[۳] آنان را از مدینه پاکسازی کند.[۴]

و) جزیه، تدبیری برای همگرایی اهل کتاب

خداوند استراتژی روشنی در برابر اهل کتاب به‌جای جنگ ترسیم کرده است، یعنی دریافت جزیه و علت چنین راهبردی با آنان در قرآن چنین تبیین شده که ایشان قاعدتاً باید به خدا و روز جزا و حرام و حلال خداوند ایمان داشته باشند، در غیر این صورت باید با آنان جنگید تا ایمان بیاورند و اگر نپذیرفتند جزیه بدهند. این اختیاری است که به آنان داده شده تا از کشته شدن رهایی یابند و جزیه هم به همین معناست، از ریشه جزاء که گویا «جزی عن قتله» به‌جا و عوض کشتن آنهاست.[۵] برخی جزیه را از جزا و جاز به‌معنای اجازه دادن دانسته‌اند که خداوند بر آنها منت نهاده و به پیامبر(ص) و مسلمانان اجازه داده است برای حفظ جان آنان جزیه بگیرند.[۶] فارغ از معنای لغوی جزیه، در قرآن گرفتن جزیه از اهل کتاب به‌عنوان راهکاری همگرایانه مورد تأکید قرار گرفته است.[۷] در انتهای آیه مربوطه اشاره شده ﴿یُعْطُوا الْجِزْیَةَ عَنْ یَدٍ وَ هُمْ صاغِرُونَ﴾. کلمه «صاغرون» اگر از ریشه صِغَر باشد به معنای کوچک و خرد و اگر از ریشه صَغَر باشد به معنای خواری است و این در مجموع به‌معنای خضوع آنان در جهت حفظ مال و جانشان در برابر سنت و حکومت اسلامی است.[۸]

---

۱ مائده (۵): ۸۲.
۲ حشر (۵۹): ۲-۴.
۳ احزاب (۳۲): ۲۶.
۴ بلاذری، همان، ج۱، صص۳۳۹-۳۴۴؛ واحدی نیشابوری، همان، ص۲۲۱.
۵ محمدبن‌مکرم‌بن‌منظور (۱۴۰۸ق)، *لسان العرب*، ج۱۴، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ص۱۴۷؛ قطب‌الدین سعیدبن‌هبة‌الله‌راوندی (۱۴۰۵ق)، *فقه القرآن فی شرح آیات الأحکام*، ج۱، قم: کتابخانهٔ آیت‌الله مرعشی نجفی، چ۲، ص۲۵۵.
۶ مقدادبن‌عبدالله سیوری (بی‌تا)، *کنز العرفان فی فقه القرآن*، ج۱، قم: [بی‌نا]، ص۳۲۴؛ احمدبن‌علی‌جصاص (۱۴۰۵ق)، *أحکام القرآن*، ج۴، بیروت: داراحیاء التراث العربی، صص۲۸۲-۲۸۴.
۷ توبه (۹): ۲۹.
۸ طباطبایی، همان، ج۹، ص۳۲۳؛ علی‌اکبر قرشی بنایی (۱۴۱۲ق)، *قاموس قرآن*، ج۲، تهران: دارالکتب الإسلامیه، چ۶، ←

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-18]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1396.9.35.5.4]

بدیهی است این جزیه بر تعداد نفرات اهل کتاب گرفته می‌شود نه از اموال و زمین آنها.[۱] اگر این زمین‌ها به صلح گشوده شده باشند که متعلق به خود آن‌هاست و به آن خراج تعلق می‌گیرد و اگر «مفتوح العنوه» باشد یعنی با جنگ فتح شده باشد، زمین متعلق به فاتحان و مسلمانان است و اهل ذمه اگر بخواهند می‌توانند روی آنها کار کنند و از درآمدشان سهمی بردارند.[۲] البته اگر آنان اسلام می‌آوردند جزیه از آنان برداشته می‌شد و فقط خراج زمینشان را می‌دادند و مالکیتشان تأیید می‌شد.[۳] میزان جزیه آن‌قدر اندک بوده که آنان به‌راحتی پرداخت می‌کردند و البته بسته به توان مالی آنها معین می‌شده است[۴] که معمولاً از دهقانان، آزادگان و مردان بالغ گرفته می‌شد.[۵] زنان، کودکان و نابالغان، پیران، کوران و علیلان[۶] از جزیه معاف می‌شدند. رسول خدا(ص) میزان و حدود دریافت جزیه را برای هر اهل کتاب ماهانه یک دینار تعیین کرده‌اند و برخی نیز گفته‌اند ۴ درهم که در سال ۴۸ درهم از طبقه توانگر، ۲۴ درهم از طبقه متوسط و ۱۲ درهم از طبقه پایین گرفته می‌شد. این مبلغ تقریباً هیچ می‌نماید. علاوه بر آن خراج نیز بر زمین آنها وضع نمی‌گردید.[۷]

آن حضرت از قتل و کشتن راهبانی که در صومعه‌ها و دیرها و صحراها بودند و هر کسی که گوشه عزلت گزیده بود منع می‌فرمود[۸] و به لشکریان به هنگام عبور از منطقه‌ای که راهبان در صومعه‌های خود به عبادت می‌پرداختند توصیه می‌کرد متعرض آنان نشوند.[۹] در یکی دیگر از نامه‌هایی که در دیری در مصر موجود است در چند ماده‌ای از آن، پیامبر(ص)

→ صص۳۶؛ و ج۴، ص۱۳۰.

۱ کلینی (۱۴۰۵ق)، *الاصول من الکافی*، ج۵، بیروت: دارالاضواء، ص۲۶۹.

۲ جصاص، همان، ج۴، ص۲۹۷؛ در این مورد نک: ابن‌قیم جوزی، همان.

۳ إبن‌عبدالحکم (۱۴۱۵ق)، *فتوح مصر و مغرب*، قاهره: مکتبة الثقافة الدینیة، چ۱، صص۱۸۰-۱۸۲؛ ابن‌منظور، همان، ج۱۴، ص۱۴۷.

۴ إبن‌بابویه (۱۴۱۳ق)، *من لایحضره الفقیه*، ج۲، قم: جامعهٔ مدرسین حوزهٔ علمیه، چ۲، صص۴۸-۴۹.

۵ حرّ عاملی (۱۳۹۱ق)، *وسائل الشیعه*، ج۱، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ص۱۲۱؛ إبن‌حیون (۱۳۸۵ق)، *دعائم الإسلام*، ج۱، قم: مؤسسهٔ آل‌البیت(ع)، چ۲، ص۳۸۰.

۶ احمدبن‌محمدبن‌خالد برقی (۱۳۷۱ق)، *المحاسن*، ج۲، قم: دارالکتب الإسلامیه، چ۲، ص۳۲۸؛ مجلسی، همان، ج۹۷، صص۶۴-۶۶.

۷ قدامةبن‌جعفر (۱۹۸۱م)، *الخراج و صناعة الکتابة*، بغداد: دارالرشید، چ۱، صص۲۲۴-۲۲۵؛ حرعاملی، همان، ج۱۱، ص۱۲۱.

۸ ابن‌حیون، همان، ج۱، ص۳۸۱.

۹ حمیدالله، همان، ص۶۳۳.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-18]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1396.9.35.5.4]

فرمان داده بود «نه هیچ راهبی از سمت رهبانی خویش و نـه هـیچ پارسـایی صـومعه‌نشـین از صومعه خود دور نخواهد گشت، هیچ جایگاهی از کنیسه‌ها و پرستشگاه‌هـای ایشـان ویـران نخواهد شد و چیزی ازدارایی کنیسه‌هـای ایشـان در راه سـاختن مسـجد و نـه در سـاختمان خانه‌های مسلمانان به‌کار نخواهد رفت. هرکسی به یکی از ایـن کارهـا روی آورد بـی‌گمـان پیمان خدا را گسسته و خلاف دستور پیامبر او رفتار کرده است. هیچ‌کس از راهبان و اسقفان و پرستشگران به پرداخت جزیه و تاوان وادار نخواهند شـد و در هـر کجـا کـه باشـند مـن نگاهبان پیمانشان خواهم بود چه در دریا، چه در خاور و چه در باختر...». این نامه به خـط امام علی(ع) و انشای پیامبر و به تاریخ سوم محرم سال دوم هجرت نگاشته شده است.[۱]

در این میان بر سایر اهل کتاب از جمله صابئین نیـز جزیـه وضـع مـی‌شـد. البتـه برخـی درگرفتن جزیه از صابئین تردید دارند و می‌گویند آنان ملاحده نصاری هستند و جزیـه فقـط به نصاری و یهود تخصیص یافته است[۲] و برخـی نظـر بـر گـرفتن جزیـه از آنـان دارنـد.[۳] از زرتشتیان[۴] نیز جزیه گرفته می‌شد زیرا هم نام آنان به‌عنوان مجوس در کنـار سـایر ادیـان در قرآن آمده است و هم از رسول خدا(ص) نقل شده کـه از مجـوس جزیـه گرفتـه شـود و طـی نامه‌ای خطاب به آنان فرموده است: «مجوس پیامبری داشـتند کـه او را بـه قتـل رسـانیدند و کتابی داشت در دوازده هزار پوست گاو که آن را سوزانیدند».[۵] همچنین ایشان دیه زرتشتیانی که در بحرین به دست خالدبن‌ولید کشته شده بودند را برابر با دیه یهودیان و مسیحیان تعیـین فرمود، زیرا آنان را همانند اهل کتاب می‌دانست.[۶] اما نکته‌ای که ذکر آن خالی از فایده نیست اینکه گرفتن جزیه تنها در دین اسلام رواج نداشـته بلکـه در قبـل از اسـلام در ایـران عصـر ساسانی، «گزیت»[۷] که همان فارسی جزیه است گرفته می‌شده است.

---

۱ همان، صص۶۳۳-۶۳۴.

۲ مفید، *المقنعه*، ص۲۷۰؛ مجلسی، همان، ج۶۳، ص۲۲.

۳ طوسی(۱۳۸۷)، *المبسوط فی فقه الإمامیه*، ج۴، تهران: المکتبةالمرتضویة لإحیاء الآثـار الجعفریـة، ص۴۳۱؛ جصـاص، همان، ج۴، ص۲۸۵.

۴ برقی، همان، ج۲، ص۳۲۷.

۵ کلینی، همان، ج۳، ص۵۶۸؛ علی اکبر قرشی بنایی (۱۳۷۷)، *تفسیر أحسن الحدیث*، ج۴، تهـران: نشـر بنیـاد بعثـت، چ۳، ص۲۲۸؛ مقریزی، همان، ج۷، ص۳۷۲.

۶ قدامةبن‌جعفر، همان، ص۲۲۴؛ إبن‌بابویه، همان، ج۵، ص۵۰۰.

۷ قرشی بنایی، همان، ج۶، ص۲۳۹؛ مرتضـی راونـدی (۱۳۸۲)، *تـاریخ اجتمـاعی ایـران*، ج۴، تهـران: نشـر نگـاه، چ۲، ص۱۰۰۰.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-18]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1396.9.35.5.4]

نتیجه‌گیری

دیدگاه کلی اسلام و شخص پیامبر(ص) عمدتاً در برابر اهل کتاب، دیدگاهی همگرایانه بود، شاید به جرأت بتوان گفت توصیه‌های جدی که در قرآن و آموزه‌های دینی اسلام در خصوص همزیستی مسالمت‌آمیز، تسامح و مدارا، احترام و رعایت حقوق انسانی با اهل کتاب شده و توسط رسول خدا(ص) به اجرا در آمده است در هیچ‌یک از ادیان و حکومت‌ها در طول تاریخ وجود نداشته است. البته دیدگاه خداوند در برابر مؤمنان اهل کتاب با کافران اهل کتاب و پیمان‌شکنان و منافقان آنان متفاوت و واگرایانه و گاهی نیز مخاصمت‌آمیز است. بدیهی است این موضع ناشی از رفتارهای خصمانه آن گروه بوده است. علاوه بر آن در بین اهل کتاب نیز رفتارهای متفاوتی با دین جدید و رسول خدا(ص) وجود داشته است و در این میان در رفتار یهود با همه اهل کتاب تفاوت فاحشی وجود دارد. آنان به‌رغم آن همه حقوقی که رسول خدا(ص) برای آنان در مدینه وضع کرد و آنان را به‌عنوان امت واحده در جرگه جامعه مسلمانان وارد ساخت، عمدتاً رفتاری غیرمسالمت‌آمیز و خصمانه با پیامبر(ص) داشتند و از این رو خداوند عناد و دشمنی آنان را با مسلمانان بسیار سخت و از همه بیشتر و تندتر ذکر کرده است. با این حال در عرصه تاریخ صدر اسلام نیز این تفاوت به‌خوبی روشن است که دشمنی یهود نسبت به اهل ایمان و مسلمانان بسیار سخت بوده است. در مجموع در سایه سیاست‌های همگرایانه اسلام و رسول خدا(ص) در برابر اهل کتاب و آزادی عمل برای آنان و جواز برپا داشتن عبادتگاه‌های آنان، رعایت حقوق و احترام رهبانان، کشیشان و سایر مناصب اهل کتاب و حفظ و حمایت از ایشان در قبال دریافت اندک جزیه، می‌توان گفت اسلام به‌راحتی در میان مسیحیان و زرتشتیان و اندکی از یهود در حجاز رواج یافت و جز دوره کوتاهی در برخورد با یهود مدینه و خیبر، اهل کتاب معضل و یا بحران خاصی به‌جامعه اسلامی تحمیل نکردند.

منابع و مآخذ

- *قرآن کریم*
- آلوسی، محمود (۱۴۱۵ق)، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*، تحقیق علی عبدالباری، بیروت: دارالکتب

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-18]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1396.9.35.5.4]

العلمیه.
- ابن‌بابویه، محمدبن‌علی (۱۴۱۳ق)، *من لا یحضره الفقیه*، تحقیق علی اکبرغفاری، قم: جامعهٔ مدرسین حوزهٔ علمیه.
- ـــــ (۱۳۸۸)، *الامالی*، قم: ذوی القربی.
- ابن‌حیون، نعمان‌بن‌محمد (۱۴۰۹ق)، *شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار*(ع)، تحقیق محمدحسین حسینی جلالی، قم: جامعهٔ مدرسین حوزهٔ علمیه.
- ـــــ (۱۳۸۵ق)، *دعائم الإسلام*، قم: مؤسسهٔ آل‌البیت(ع)، چ۲.
- ابن‌سعد، ابوعبدالله‌محمد (۱۳۷۶ق)، *الطبقات الکبری*، بیروت: دارصادر.
- ابن‌سیدالناس، أبوالفتح محمد (۱۴۱۴ق)، *عیون الأثر فی فنون المغازی و الشمائل و السیر*، بیروت: دارالقلم.
- ابن‌شهرآشوب، محمدبن‌علی (۱۳۶۹ق)، *متشابه القرآن و مختلفه*، قم: دارو بیدار.
- ابن‌عاشور، محمدبن‌طاهر [بی‌تا]، *التحریر و التنویر*، [بی‌جا]: [بی‌نا].
- إبن‌عبدالحکم، عبدالرحمان (۱۴۱۵ق)، *فتوح مصر و مغرب*، تحقیق علی محمد عمر، قاهره: الثقافة الدینیة.
- ابن‌کثیر، أبوالفداء اسماعیل (۱۴۰۷ق)، *البدایة و النهایة*، بیروت: دارالفکر.
- ابن‌منظور، محمدبن‌مکرم (۱۴۰۸ق)، *لسان العرب*، تحقیق علی سیری، بیروت: داراحیاء.
- ابن‌هشام، ابومحمد عبدالملک (۱۳۵۶ق)، *السیرة النبویه*، تحقیق محی‌الدین عبدالمجید، قاهره: [بی‌نا].
- أبیاری، ابراهیم (۱۴۰۵ق)، *الموسوعة القرآنیه*، بی‌جا: مؤسسة سجل العرب.
- احمدی میانجی، علی (۱۴۱۹ق)، *مکاتیب الرسول*، قم: دارالحدیث.
- افتخاریان، محمدحسین (۱۳۸۰)، *دانشنامه جنگ و صلح*، همدان: مسلم.
- بحرانی، هاشم‌بن‌سلیمان (۱۳۷۴)، *البرهان فی تفسیر القرآن*، قم: بعث.
- بحرانی، عبدالله (۱۴۱۳ق)، *عوالم العلوم و المعارف*، تحقیق محمدباقر موحدابطحی، قم: مؤسسهٔ امام مهدی(عج).
- بخشی، علی آقا و مینو افشاری راد (۱۳۸۶)، *فرهنگ علوم سیاسی*، تهران: چاپار.
- برقی، احمدبن محمدبن‌خالد (۱۳۷۱ق)، *المحاسن*، تحقیق جلال‌الدین محدث، قم: دارالکتب الإسلامیه، چ۲.
- بلاذری، أبوالحسن‌احمد (۱۹۷۴م)، *انساب الاشراف*، تحقیق محمد باقر المحمودی، بیروت: مؤسسة الاعلمی.
- ـــــ (۱۹۸۸م)، *فتوح البلدان*، بیروت: دار و مکتبة الهلال.
- بلاغی، سید عبدالحجت (۱۳۸۶)، *حجة التفاسیر و بلاغ الإکسیر*، قم: حکمت.
- جصاص، احمدبن‌علی (۱۴۰۵ق)، *أحکام القرآن*، بیروت: داراحیاء.
- حمیدالله، محمد (۱۳۷۴)، *نامه‌ها و پیمان‌های سیاسی حضرت محمد*(ص)، ترجمهٔ سیدمحمد حسینی،

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-18]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1396.9.35.5.4]

تهران: سروش.
- حرّ عاملی، محمدبن‌حسن (۱۳۹۱ق)، *وسائل الشیعه*، بیروت: داراحیاء.
- رازی، أبوعبدالله محمد (۱۴۲۰ق)، *مفاتیح الغیب*، بیروت: داراحیاء، چ۳.
- راغب اصفهانی، حسین‌بن‌محمد (۱۴۱۲ق)، *مفردات ألفاظ القرآن*، بیروت: دارالقلم.
- راوندی، قطب‌الدین‌سعید (۱۴۰۵ق)، *فقه القرآن فی شرح آیات الأحکام*، قم: آیت الله مرعشی نجفی، چ۲.
- رشید رضا، محمد (۱۴۱۴ق)، *تفسیر المنار*، بیروت: دارالمعرفة.
- ذهبی، شمس‌الدین‌محمد (۱۴۱۳ق)، *تاریخ الإسلام*، تحقیق عمر عبدالسلام تدمری، بیروت: دارالکتاب العربی.
- سورآبادی، ابوبکرعتیق‌بن‌محمد (۱۳۸۰)، *تفسیر سورآبادی*، تحقیق علی اکبرسعیدی سیرجانی، تهران: نشر نو.
- سیوری، مقدادبن‌عبد الله [بی‌تا]، *کنز العرفان فی فقه القرآن*، قم: [بی‌نا].
- سیوطی، جلال‌الدین (۱۴۰۴ق)، *الدر المنثور فی تفسیر المأثور*، قم: آیت الله مرعشی نجفی.
- طباره، عفیف عبدالفتاح (بی‌تا)، *چهره یهود در قرآن*، ترجمهٔ سید مهدی آیت اللهی، قم: [بی‌نا].
- طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۴۱۷ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: جامعهٔ مدرسین حوزهٔ علمیه، چ۵.
- طوسی، ابوجعفرمحمدبن‌حسن (۱۳۸۷ق)، *المبسوط فی فقه الإمامیه*، تهران: المکتبة المرتضویة.
- ـــــ [بی‌تا]، *التبیان فی تفسیرالقرآن*، تحقیق احمد قیصرعلی، بیروت: داراحیاء.
- طبرسی، ابوعلی‌فضل‌بن‌حسن (۱۴۱۷ق)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، موسسة الاعلمی.
- طبری، أبوجعفرمحمدبن‌جریر (۱۳۸۷ق)، *تاریخ الأمم و الملوک*، تحقیق محمدابوالفضل ابراهیم، بیروت: دارالتراث.
- طریحی، فخرالدین (۱۴۱۳ق)، *مجمع البحرین*، [بی‌جا]: دارالثقافة، چ۳.
- طیب، عبدالحسین (۱۳۷۸ق)، *أطیب البیان فی تفسیر القرآن*، تهران: اسلام، چ۲.
- عیاشی، محمدبن‌مسعود (۱۳۸۰ق)، *تفسیرعیاشی*، تحقیق سیدهاشم رسولی محلاتی، تهران: مکتبة العلمیة.
- فیض کاشانی، محمدمحسن (۱۴۱۵ق)، *الصافی فی تفسیرالقرآن*، تهران: مکتبة الصدر، چ۲.
- قرشی بنایی، علی‌اکبر (۱۴۱۲ق)، *قاموس قرآن*، تهران: دارالکتب الإسلامیه، چ۶.
- ـــــ (۱۳۷۷)، *تفسیر أحسن الحدیث*، تهران: بنیاد بعثت، چ۳.
- قرطبی، محمدبن‌احمد (۱۳۶۴)، *الجامع لأحکام القرآن*، تهران: ناصرخسرو.
- قمی، علی‌بن‌ابراهیم (بی‌تا)، *تفسیر قمی*، تصحیح سید طیب موسوی جزایری، قم: علامه.
- کاتب بغدادی، قدامة‌بن‌جعفر (۱۹۸۱م)، *الخراج و صناعة الکتابه*، تحقیق محمدحسین زبیدی، بغداد: دارالرشید.
- کاشانی، ملافتح الله (۱۳۳۶ق)، *تفسیر منهج الصادقین فی إلزام المخالفین*، تهران: علمی.
- کلینی، ابوجعفرمحمد (۱۴۰۵ق)، *الاصول من الکافی*، تصحیح علی اکبر غفاری، بیروت: دارالاضواء.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-18]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1396.9.35.5.4]

- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، *بحارالانوار*، بیروت: دارالإحیاء، چ۲.
- مقریزی، تقی‌الدین (۱۴۲۰ق)، أمتاع الأسماع بما للنبی من الأحوال و الأموال و الحفده و المتاع، تحقیق محمد عبدالحمید النمیسی، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- مغنیه، محمدجواد (۱۴۲۴ق)، *تفسیر کاشف*، تهران: الإسلامیه.
- مفید، محمدبن‌محمد (۱۴۱۳ق)، *المقنعه*، قم، کنگرهٔ جهانی هزارهٔ شیخ مفید.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، *تفسیر نمونه*، تهران: اسلامی.
- واحدی نیشابوری، ابوالحسن علی (۱۴۱۷ق)، *اسباب النزول*، تحقیق سید احمد صقر، جده: [بی‌نا].
- ـــــ (۱۳۸۳)، *اسباب النزول*، ترجمهٔ علیرضا ذکاوتی قراگزلو، تهران: نی.
- واقدی، محمدبن‌عمر (۱۴۰۹ق)، *المغازی*، تحقیق مارسدن جونس، بیروت: مؤسسة الأعلمی، چ۲.
- یعقوبی، احمدبن‌ابی‌یعقوب (۱۳۵۸ق)، *تاریخ الیعقوبی*، نجف: مکتبة المرتضویة.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-18]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1396.9.35.5.4]